

از آن زمان، هوش مصنوعی تبدیل به یک صنعت بزرگ شده است که در هر جایی حضور دارد. امروز دور تا دور ما پر است از انواع ابزارهای مجهز به هوش مصنوعی. تشخیص چهره توسط گوشی هوشمند، بررسی و اصلاح شکل نوشتن کلمات و حتی پیشنهاد کلمه در برنامه‌های نوشتار تبلت و مثل آن. اغلب تلویزیون‌ها امروز مجهز به برنامه‌ای هستند که نور صفحه را متناسب با نور محیط تنظیم می‌کند. وقتی می‌خواهید با یکی از شبکه‌های نمایش خانگی فیلم یا سریال ببینید، پیشنهادهاتی به شما می‌دهد که همگی توسط هوش مصنوعی و بر اساس سلیقه شما انتخاب شده‌اند. هوش مصنوعی انتخاب‌های شما، ویژگی‌های فیزیکی و رفتار آنلاین‌تان را یاد می‌گیرد، مشابه همان روشی که مغز انسان یاد می‌گیرد.

مغز شما در اولین سطح اطلاعاتی را که از حواس (مثل تصویر، صدا، مزه و ...) می‌گیرد، ترجمه و معنا می‌کند. شما گربه را با صدا و شکلش در ذهن‌ت ثبت و ضبط کرده‌ای، وقتی صدای میو را می‌شنوی، مغز شما صدا

را تشخیص می‌دهد و آن را با اطلاعات ثبت شده تطبیق می‌دهد و در نهایت آن را به اطلاعات گربه وصل می‌کند. هوش مصنوعی تقریباً به همین روش کار می‌کند، اما به جای شبکه پیچیده‌ای از سلول‌های زنده، از کدهای دسته‌بندی شده برای ایجاد ارتباط اطلاعات ورودی با اطلاعات از پیش ثبت شده استفاده می‌کند. این برنامه ارتباطی و الگوی دسته‌بندی کدها توسط برنامه‌نویس ساخته و نوشته می‌شود. همچنین اطلاعات دریافتی جدید را به اطلاعات قبلی اضافه کرده و آن را رفته رفته کامل‌تر می‌کند. هر چه یک برنامه هوش مصنوعی با اطلاعات بیشتری تغذیه شود، ارتباطات بیشتری ایجاد می‌کند و بهتر می‌فهمد و رشد می‌کند. این کار به «یادگیری ماشین» معروف است. مجموعه دسته‌بندی‌ها را «شبکه عصبی» می‌گویند، هر چه شبکه عصبی پیچیده‌تر و متنوع‌تر باشد، هوش مصنوعی چیزهای بیشتری یاد می‌گیرد و کارهای دقیق‌تری انجام می‌دهد. تکمیل یک کار، ابتدایی‌ترین شکل فعالیت هوش مصنوعی

است، از یافتن اطلاعات در اینترنت تا پیش‌بینی وضعیت آب و هوا. فکر کن توی یک هواپیمای جنگنده نشسته‌ای و داری به صفحه رادار نگاه می‌کنی. اگر رادار هواپیمای خیلی ساده باشد و هیچ هدفی را دنبال نکند، تو مجبوری با چشم دوست و دشمن اطرافت را تشخیص دهی. حالا فکر کن رادار کمی پیشرفته باشد و هم‌زمان همه‌ی اشیاء پرنده کنارت را نشان دهد و مسیر حرکت آنها را دنبال کند و مسیر و سرعت‌شان را نشانت بدهد. باز هم فکر کن که رادار کمی پیشرفته‌تر باشد و بتواند تشخیص دهد از این اشیاء پرنده کدام دوست و کدام دشمن است. البته تو روش شناختن دوست و دشمن را برایش تعیین کرده‌ای یا طراحان رادار اما بعد از این تعریف رادار دیگر اشتباه نمی‌کند و مثلاً حواسش به درجه بنزین یا ارتفاع یا سرعت پرت نمی‌شود، در حالی که تو ممکن است به سادگی برای لحظاتی به خاطر وجود یک مشکل حواست پرت شود و در تشخیص اشیاء پرنده اطرافت دچار اشتباه شوی.